

# دیروز و فردای کردستان خطر که به مرزها می رسد یاد خلق های غیور می افتند

ابوذر

ایران کشوری است که در آن خلق های مختلفی زندگی می کنند. این خلق ها در طی هزاره ها با حفظ زبان، فرهنگ و سایر ویژگی های ملی خود، با همدلی و همیاری به آفرینش یکی از غنی ترین فرهنگ های بشری یعنی فرهنگی و تمدن ایرانی نایل آمده اند. این تمدن ارزشمند در جامعه جهانی با همین کد یعنی تمدن ایرانی به ثبت رسیده است.

در صد سال اخیر و بویژه پس از روی کار آمدن رژیم پهلوی و تقویت پرنسیپ های خلق بزرگ و خلق صاحب، یک سیستم فکری عظمت طلبانه و برتری جویانه شکل گرفت و پایه های ایدئولوژیکی آن دوام و قوام یافت. پان ایرانیسم زیر لوای شونیسیم فارس تبلیغ شد و مبلغین این ایدئولوژی با اعمال فشارهای گوناگون و سیاست های ضد ملی به نقض خشن حقوق انسانی خلق های ساکن در ایران پرداختند و می پردازند.

در ایران هیچ وقت یک خلق در حق خلق دیگر ستم ملی روا نداشته. بلکه بانیان و مجریان سیاست های قدرت های حاکم بوده اند که برای نیل به اهداف عظمت طلبانه و برتری جویانه خود ابتدایی ترین حقوق ملل ساکن در ایران را مورد تجاوز قرار داده اند. پان ایرانیسم و شونیسیم فارس زیر لوای رنگارنگ دستیابی خلق های ساکن در ایران به حقوق حقه خود را خطری جدی در اجرای سیاست های عظمت طلبانه خود دیده و می بینند. بهمین خاطر از هر امکانی سود می جویند تا مبارزات به حق خلق های ساکن ایران در راه تعیین سرنوشت خود را در نطفه خفه کنند. فاجعه و تراژدی در آنجاست که در بین مجریان چنین سیاستی نمایندگان همه خلق ها حضور فعالی داشته اند. اگر دیروز در دوران رژیم پهلوی در بین طرفداران سیاست خدایگانی شاه و «ملت واحد» نمایندگان خلق ها که چاکر مآبانه در خدمت بودند کم نبودند، امروز نیز در میان طرفداران سیاست «امت واحد» فارس ها تنها نیستند.

هیات حاکمه ایران در گذشته و حال تنها زمانی که کشور مورد هجوم قرار داشت و یا پایه های قدرتشان متزلزل و یا مشروعیت حکومتشان زیر علامت سؤال قرار می گرفت، بیاد خلق های ساکن در ایران افتاده و با تملق گویی با عبارتی چون آذری های غیور، کردهای رشید، بلوچ های وطن پرور و غیره به تعریف و تمجید از این خلق ها می پردازند اما همینکه خرخشان از پل می گذرد این شهروندان درجه دومی کشور بدست فراموشی سپرده می شوند.

در طی صد سال اخیر بلوچستان، کردستان، خوزستان، آذربایجان و غیره از رشد لازم برخوردار نگردیده در حالی که امکان و استعداد آن را داشته اند. حاکمیت ها به عمد می کوشند که این مناطق همچنان در فقر و عقب ماندگی فرهنگی باقی بمانند تا قدرت مرکزی با آرامش خاطر به ادامه سیاست های خانمان برانداز خود بپردازد.

حوادثی که پریروز در خوزستان، دیروز در کردستان و فردا در جای دیگر روی خواهد داد در حقیقت صدای اعتراض انسان هایی هست که در طی زمان های مدید پیوسته در راه

عدالت اجتماعی و حقوق ملی خود مبارزه کرده و می کنند و در این راه قربانیان زیادی داده و می دهند.

دولت ترکیه با دستگیری رهبر کردهای این کشور و به زنجیر کشیدن او در یک جزیره که برای ترکیه هزینه های سرسام آوری در پی دارد، می کوشد تا مسئله کردها را در ترکیه حل کند. اما نه تنها این مسئله حل نشد که بلکه شکل حادثی بخود گرفت. حقیقت آنچنان محکم و تلخ است که نخست وزیر ترکیه اخیراً طی دیدارش از دیاربکر اعلام داشت «وجود خلق کرد در ترکیه واقعیتی است که باید پذیرفته شود». حتی قول داد کانال تلویزیونی در اختیار کردها قرار دهد.

دولت صدام حسین با قتل عام و بمباران شیمیایی کردها تلاش کرد تا آنها را از مبارزه خود در راه کسب حقوق ملی خود باز دارد. اما امروز منظره کاملاً متفاوتی در کردستان عراق جلوی چشم قرار گرفته است.

دولت ایران با ترور رهبران کرد در اتریش و آلمان سعی کرد بجای حل کردن مسئله کردها صورت مسئله را حذف کند اما امروز کردستان به آتش زیر خاکستر مبدل شده است. کردهای ایران امروز تجزیه طلب و زیاده طلب نیستند اما هیچ کس نمی تواند تضمین کند که فردا چه خواهد شد. کردها امروز خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران را می خواهند. این خواست ها دور از انتظار و غیرعادلانه نیست. هیات حاکمه ایران همین امروز باید چاره ای لازم بیاندیشد. ممکن است فردا خیلی دیر باشد.